

دیدگاه

پالایشگاه جیزی از میانکاله باقی نمی‌گذارد

میترا البرزی‌منش:

■ تالاب بین‌المللی میانکاله یکی از بارزش‌ترین زیستگاه‌های ایران است. این تالاب در مرکز دو مسیر مهم مهاجرت جهانی پرندگان قرار گرفته‌است که هرساله از پاییز تا اوایل بهار میزان تعداد قابل توجهی از پرندگان مهاجر است به علاوه میانکاله زیستگاه دائمی گونه‌های نادری مانند قرقاول و بسیاری دیگر از پرندگان بومی ایران است. این تالاب با این ویژگی‌هایش دارای جاذبه‌های گردشگری در سطح بین‌المللی است و از دیدگاه ملی نیز دارای اهمیت درجه اول طبیعت گردی است.

حفاظت از این جاذبه‌های طبیعی و برنامه‌ریزی برای طبیعت‌گردی می‌تواند منبع درآمد قابل توجهی برای اهالی منطقه و در سطح ملی باشد. متأسفانه احداث تانسیسات غول‌آسای صنعتی مانند بندر چندمنظوره امیرآباد و اخیراً نیز تصویب احداث پالایشگاه در جنب این تالاب بین‌المللی کاملاً می‌تواند به این زیست‌بوم آسیب برساند. امروزه باید اثرات زیست‌محیطی صنعتی که احتمال بروز آلودگی در آن وجود دارد، قبل از احداث ارزیابی شود و به این سوال پاسخ داده شود که آیا احداث واحدهای صنعتی در مکان مورد نظر، صحیح است یا خیر؟ ایجاد پالایشگاه با توجه به پیامدهای آن مانند انتشار آلاینده‌هایی مانند آمونیاک، تولید پساب‌های نفتی و شیمیایی، آلودگی صوتی، سوزاندن گازهای تفکیکی، جمع شدن مواد زاید شیمیایی، ایجاد زباله‌های صنعتی، افزایش حمل‌ونقل جاده‌ای، تخریب مناطق ساحلی، ورود پساب‌هایی که از این واحدها وارد دریا می‌شوند و نشث موادی نظیر جیوه و آرسنیک و گوگرد می‌تواند به شدت به تالاب بین‌المللی میانکاله و همچنین دریای مازندران که هر دو زیستگاه‌های آسیب‌پذیر و در شرایط کنونی نیز در وضعیت نابسامانی قرار دارند آسیب وارد کند.

در انتخاب مکان احداث صنایع توجه به مطالعات آمایش سرزمین بسیار مهم است. مطالعات آمایش سرزمین که در سال ۱۳۶۴ انجام شده است استان‌های شمالی کشور را به جهت استقرار صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی کاملاً نامناسب تشخیص داده است زیرا مواد اولیه این صنایع باید از جنوب کشور تا شمال انتقال یابد. دوم اینکه این صنایع بهتر است در توزیع مناسب جمعیت کشور نقش تعادلی ایفا کنند که در شرایط کنونی استان‌های شمالی از جهت تراکم جمعیت بیش از سایر نقاط کشور با جمعیتی دارند و سوم اینکه مناطق ساحلی دریای مازندران به‌ویژه جنب تالاب بین‌المللی میانکاله از حساسیت بسیار بالایی محیط‌زیستی بر‌خوردار است.

اینکه گفته می‌شود در احداث این پالایشگاه از استانداردهای یورو ۵ استفاده می‌شود در پاسخ باید به مشکلات کنونی کشور از دیدگاه تحریم‌ها و جابه‌جایی ارزی اشاره کرد که عمل به این موضوع را کاملاً غیرقابل قبول می‌داند. صنایع بسیاری از بخش‌های صنایع نفت و گاز از ماشین‌آلات دست دوم ساخت اوکراین یا روسیه استفاده می‌کنند و دستیابی به استانداردهای یورو۵ به نظر واقع‌بینانه نیست. یک نمونه از استفاده از تکنولوژی‌های دست دوم و فرآورده‌های خطرناک، استفاده از ماده MTBE است که به عنوان یک افزودنی، به بنزین اضافه می‌شود. در مورد این ماده حتی بین جامعه علمی نیز مناقشه و چالش وجود دارد؛ عده‌ای MTBE را آلوده‌کننده می‌دانند و بر همین اساس شرکت پالایش و پخش، مصرف آن را محدود کرده و در دنیا نیز روند صرف آن رو به کاهش است ولی از طرف دیگر، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ظرفیت تولید آن را چندبرابر کرده و بر برنامه‌هایی برای احداث واحدهای جدید تولید این ماده تدوین می‌کند. مصرف MTBE توسط EPA آمریکا مبرگبار اعلام شده‌است. نمونه دیگر، محصولات پلیمری که در حال حاضر تولید می‌شود، از مونومرها و مواد اولیه آلی خطرناکی ساخته می‌شود که بسیار سرطان‌زاست. بخشی از این مواد در پروسه تبدیل مواد اولیه به محصول، در پلیمر باقی می‌ماند که در پایان فرآیند دفع شده و منجر به آلودگی‌های فراوان زیست‌محیطی خواهند شد.

در صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی، امکان ایجاد آلودگی در سه مرحله «جمع‌آوری مواد اولیه»، «تولید و تبدیل مواد واسطه» و «جمع‌آوری و انبار مواد تولیدشده»، وجود دارد. آلوده شدن آب‌ها به مواد شیمیایی مختلف و مضر غیرقابل تجزیه، هیدرولیز شدن تخم موجودات آبی، بارورشدن و ازبین رفتن آبزیان در مرحله نوزادی و از بین رفتن امنیت شکاری صیادان دریای مازندران از دیگر آسیب‌های احداث پالایشگاه در جنب میانکاله و دریای مازندران است. انتشار بو و گازها در محیط اطراف تمامی پالایشگاه‌های ایران مانند پالایشگاه‌های جنوب قابل مشاهده است. نشث به آب‌های زیرزمینی مانند اتفاقاتی که در پالایشگاه تهران رخ داد از حوادث قابل پیش‌بینی در این صنایع است.

در مورد تمهیداتی که سازمان محیط‌زیست اعلام می‌کند رعایت خواهد شد یا باید قسم حضرت عباس را بلور کرد یا دم خروس را دم خروس، از آنچه در سایر پالایشگاه‌ها و صنایع پتروشیمی اتفاق افتاده است کاملاً مشهود است. در عسلویه مرجان‌های طبیعی از طریق دینامیت منفجر و تخریب شده‌اند، خلیج ناپایند به تدریج به مرداب تبدیل شده و خورموسی نیز که منطقه ویژه ماهشهر با مجتمع‌های عظیم پتروشیمی در کنار آن احداث شده، به‌دلیل تعویض کل آب آن در هر پنج سال یکبار، بر اثر آلودگی مجتمع‌ها به مرداب تبدیل خواهد شد. بنابراین این مشکلات، گواهی بر عدم توجه کافی صنایع پتروشیمی نسبت به جایگیری صحیح مجتمع‌ها و همچنین نشان‌دهنده عدم دقت کافی و توان کارشناسی سازمان حفاظت محیط‌زیست در این زمینه است.

■**کارشناس ارزیابی محیط‌زیست**

اینجا «پارک ملی بوم» است؛ منطقه‌ای ۴۸هزار هکتاری در گزفته‌اش شهر شیراز که از ۴۵ سال پیش تاکنون به موجب مصوبه شورای‌عالی محیط‌زیست، تحت حفاظت سازمان محیط‌زیست قرار گرفته است. بوم بدون شک یکی از بارزش‌ترین زیستگاه‌های حیات‌وحش کشور محسوب می‌شود که خبر سیمای استان فارس هفته گذشته به نقل از مدیران محیط‌زیست این استان، آن را سومین پارک ملی بااهمیت ایران عنوان کرد. روی تابلو این پارک هم مانند تمامی مناطق تحت حفاظت سازمان محیط‌زیست این جمله به چشم می‌خورد: «تعلیف احشام» از بین بردن رستی‌ها و تخریب محیط اکیدا ممنوع و پیگرد قانونی دارد.» البته اخیراً مورد دیگری هم به این موارد محدودیت‌ها اضافه شده و آن هم چیزی نیست جز عکاسی! بله عکاسی در مناطق تحت حفاظت سازمان محیط‌زیست از سوی طرفداران محیط‌زیست بدون اجازه این سازمان ممنوع اعلام شده است! اما در عوض برخی اقدامات مخرب چند سالی است که در این مناطق با مجوز سازمان محیط‌زیست و با مجوز هیات دولت آزاد اعلام شده است. عبور هرگونه خطوط لوله نفت و گاز، ساخت مسکن،

توسعه پالایشگاه، ساخت جاده، طرح‌های گردشگری و هتل‌سازی، انجام مانورهای نظامی توسط وزارت دفاع و… بسیاری دیگر از این دست اقدامات، چنانچه مجوز سازمان محیط‌زیست یا دولت را به همراه داشته باشد محدودیتی برای اجرایش حتی در پارک‌های ملی هم وجود ندارد و پیگرد قانونی هم ندارد. پارک ملی بـمـو هم یکی از این دست پارک‌ها و مناطق ایران است که بی‌تصیب از این طرح‌ها نمانده است. موافقت این سازمان با اجرای فاز دوم پالایشگاه شیراز در یکصد هکتار از اراضی بوم و اختصاص یکصد هکتار دیگر از اراضی این پارک برای ساخت شهرک صنعتی لوبیی در سال گذشته گوشه‌ای از این رفغ محدودیت‌ها در مناطق چهارگانه محیط‌زیست است. ماجرا از اینجا آغاز شد که رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست سال گذشته در سفر به شیراز اعلام کرد توسعه پالایشگاه شیراز که یکی از دغدغه‌های مهم بود با پیگیری‌های استاندارد فارس و حل مشکلات زیست‌محیطی، قابل اجراست و مجری طرح می‌تواند از فردا کار خود را آغاز کند. او افزود: پس از انجام بازدید محلی و با توصیه و رعایت چند شاخصه زیست‌محیطی، توافق‌های اولیه برای اجرای طرح توسعه پالایشگاه شیراز انجام شده و این طرح در سایت مجاور شهر زرقان احداث می‌شود؛ طرحی که به گفته او با دوهزارمیلیارد تومان سرمایه‌گذاری با جدیدترین استانداردهای روز قرار بود احداث شود. رییس سازمان محیط‌زیست، همچنین از موافقت با ایجاد شهرک صنعتی لوبیی در وسعتی صدهکتاری در غرب پارک بوم خبر داده و افزود: بود، با توجه به پیش‌بینی‌های انجام‌شده برای کنترل انلاین آلاینده‌های زیست‌محیطی و نصب تابلوهای نمایشگر میزان آلاینده‌های موجود در محیط، مردم شیراز و زرقان اطمینان داشته باشند که تمام استانداردها به‌صورت لحظاتی کنترل خواهد شد. هر چند هنوز نه کلنگ پالایشگاه در بوم به زمین زده شده و نه شهرک صنعتی (به دلیل اعتراض دیوان محاسبات کشور به نحوه اجرای کار نشان می‌دهد که تا چند هفته دیگر جاده‌سازی و حفر ترانشه‌های عظیم برای عبور خط لوله از داخل پارک ملی بوم شاید آغاز شود.

در همین حال سازمان محیط‌زیست همچنان مدعی است هیچ اراضی از بوم واگذار نشده است و جای هیچ نگرانی نیست. مدیران این سازمان یکبار مدعی شدند که این اراضی اصلاً داخل بوم نبوده و متعلق به سازمان جنگل‌ها است و بار دیگر ادعا کردند که اصلاً این اراضی از ابتدا متعلق به پالایشگاه بوده و بعد هم اضافه کردند که بخش‌های دیگر این اراضی هم که در طرح توسعه قرار گرفته اصلاً فاقد ارزش حفاظتی بوده و به دلیل تخریب

باید از پارک جدا می‌شدا در همین حال رییس شورای شهر زرقان در گفت‌وگو با شرق در این‌باره می‌گوید: قرار بود دو خط لوله یکی برای نفت و یکی دیگر برای میعانات گازی از داخل پارک ملی بوم عبور داده شود که به دلیل مخالفت محیط‌زیست خط لوله میعانات گازی پارک ملی بوم را دور زد و به پالایشگاه رفت ولی حالا مجری طرح اصرار دارد که خط لوله نفت سروسنستان را حتماً از داخل کوه‌ها و تپه‌های پارک ملی بوم که زیستگاه وحوش است عبور دهد. محمدرضا ظریفی افزود: محیط‌زیست می‌گوید هنوز هیچ مجوزی صادر نشده ولی به نظر می‌رسد شرکت نفت می‌خواهد محیط زیست را در عمل انجام‌شده قرار دهد چون مسیر خط لوله را از دو طرف پارک شروع کردند و تا پشت فـنس‌های پارک ملی به پیش بردن. برای این کار بسیاری از باغات انگور مردم را با اعمال ماده ۹ در اختیار قرار گرفتند بدون اینکه پول زمین‌هایشان را به مردم دهند خط لوله را عبور دادند و حالا نوبت پارک ملی رسیده است. وی افزود: من بارها گفتم شاید بتوانید مردم را راضی کنید و پول زمین‌هایشان را بدهید ولی بهای تخریب محیط‌زیست و پارک ملی بوم را چه کسی خواهد داد؟ این مقام مسوول می‌افزاید: جای تعجب است که محیط‌زیست چندی قبل وقتی اهالی یکی از روستاها در نزدیکی پارک قصد حفر چاه داشتند اجازه اینـ کار را به مردم نداد با اینکه چاه بیرون از پارک بود اما حالا با ساخت و توسعه پالایشگاه در پارک بوم موافقت کرده

است. وی می‌افزاید: اگر خط لوله وارد پارک شود، کوه‌تراشی عظیمی صورت خواهد گرفت چون اینجا مثل زمین‌های مردم صاف و مسطح نیست بلکه پستی و بلندی و کوه و تپه است که نیاز به حفر ترانشه‌های ۲۰متری و خاکبرداری‌های گسترده است. وی درباره اینکه آیا طرح توسعه پالایشگاه در این منطقه آغاز شده یا خیر می‌گوید: مدیر کل

محیط‌زیست استان پیشتر مجوز این کار را ندادند اما آقای محمدی‌زاده سال گذشته بعد از سفر به شیراز در جریان جلساتی که با استاندار داشتند اجازه این کار را دادند که البته به دلیل تحریم‌ها شرکت مالزیایی تعهداتش را عمل نکرد و کار را شروع نکرد و قرار است حالا یک شرکت ایرانی این کار را انجام دهد که در این صورت بار آلودگی شهر زرقان چندین برابر حال حاضر خواهد شد. متأسفانه فرمانداری و استانداری هم با وجود اعتراضات مکرر شورای شهر زرقان هیچ اقدامی نکردند و حتی در جلسه‌ای که با فرمانداری داشتیم به ما گفتند شما به جای اینکه برای محیط‌زیست دل بسوزانید به فکر حقوق مردم باشید، محیط‌زیست خودش متولی دارد. اما وقتی محیط‌زیست کاری نمی‌کند ما نمی‌توانیم در برابر این فاجعه سکوت کنیم و نظاره‌گر باشیم که محیط‌زیست پیرامون مان را تخریب کند.

محیط‌زیست

بعد از موافقت سازمان محیط‌زیست با توسعه پالایشگاه شیراز صورت می‌گیرد

خط لوله نفت سر وستان در یک قدمی «پارک ملی بوم»

مژگان جمشیدی



خط لوله نفت در پارک ملی بوم

اعتراض فعالان محیط‌زیست

در همین حال جمعی از علاقه‌مندان محیط‌زیست استان فارس اخیراً با صدور بیانیه‌ای خواستار حفاظت بیشتر از پارک ملی بوم شدند و تاکید کردند: مسوولان اجازه ندهند پارک ملی بوم نابود و به نفت آلوده شود. این فعالان محیط‌زیست اعلام کردند: در هفته‌های اخیر مجوز عبور خط انتقال نفت سروسنستان از داخل محوطه پارک ملی بوم صادر شده و پیمانکاران طرح مشغول فعالیت شده‌اند. در بخشی از این بیانیه آمده است: چگونه است خط انتقال میعانات گازی که در حال حاضر از آغازلال انتقال داده شده از حاشیه پارک ملی بوم بدون ایجاد خسارت به اینـ منطقه ریزا و مهم محیط‌زیست عبور کرده اما خط انتقال لوله نفت سروسنستان که از این شهر تا بوم را در فاصله ۱۶متری مجاورت خط انتقال لوله میعانات گازی عبور کرده باید مسیر خود را تغییر داده و محیط‌زیست و حیات وحش را به خطر اندازد. فعالان محیط‌زیست همچنین اعلام کردند: طبق اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های آتی آن باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌شود از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن تلاقی پیدا کند، ممنوع است. این احامیان محیط‌زیست تصریح کردند: با وجود بی‌توجهی صورت‌گرفته توسط عوامل شرکت ملی نفت ایران در

تخریب باغ‌ها و منابع طبیعی منطقه و همچنین تصمیم آنان جهت عبور خط لوله نفت از میان پارک ملی بوم بی‌شک این امر موجب از بین رفتن زیستگاه و زندگی جانسداران اعم از حیوانات و گیاهان بسیار نادر کشور و دنیا که در این منطقه وجود دارد خواهد شد. طرفداران محیط‌زیست در بخش دیگری از سخنان خود مخالفت شدید خود را با اجرای این

طرح اعلام داشته و درخواست کردند: ادامه اجرای این طرح از مسیر پارک ملی بوم متوقف شده و انتقال خط لوله فوق از حاشیه پارک ملی بوم همچون سایر خطوط اجرارشده قبلی صورت گیرد. این فعالان محیط‌زیست تصریح کردند: ما فعالان و علاقه‌مندان محیط‌زیست که در واقع اهالی منطقه هستیم همواره با اجرای طرح‌های ملی دولت خمدنگزار همکاری داشته و با واگذاری زمین و ایجاد مسیر خط لوله از میان زمین‌های موجود خود در حاشیه پارک خواهان آن هستیم که طبق اصل پنجاهم قانون اساسی از پارک ملی بوم محافظت شده تا اجرای این طرح با نابودی سرمایه ملی کشور همراه نشود. دخل و تصرفات اخیر در پارک ملی بوم در حالی صورت می‌گیرد که به موجب ماده هشت آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست ایران هر گونه دخل و تصرفی در محدوده پارک‌های ملی حتی در حد بوته‌کشی هم ممنوع

اعلام شده است. علی‌اکبر کاظمینی مدیر موسسه ۱۳ فروردین در این زمینه به شرق می‌گوید: مگر در هر استان و در هر شهر چند شهرک صنعتی و پالایشگاه لازم است که باید پارک‌های ملی را قربانی کنیم؟ در کجای دنیا پارک‌های ملی را به پالایشگاه و شهرک صنعتی و شهرک مسکونی بدل می‌کنند که در ایران این اقدام صورت می‌گیرد؟ وی می‌گوید: آیندگان خواهند گفت که ارمنان سازمان محیط‌زیست برای حیات وحش ما نفت بود که بر سر سفره قوچ و میش‌های شیرازی بردند. این فعال محیط‌زیست یادآور شد: پارک ملی بوم با قدمت نیم قرن حفاظت از قدیمی‌ترین پارک‌های ملی کشور است. موقعیت مکانی این پارک در مجاورت کلاتشهر شیراز و محور گردشگری شیراز – تخت‌جمشید امتیاز ویژه‌ای برای استان فارس و شهر شیراز ورزقان است. اما با وجود توسعه بی‌رویه در سالیان گذشته که منجر به تغییر کاربری زیست‌بوم و کاهش تنوع زیستی و تخریب چشم‌اندازهای طبیعی در سطح استان فارس شده پارک ملی بوم به صورت یک نمونه برجسته اکوسیستست طبیعی نسبتاً باق‌ری مانده است. به گفته او استان فارس با دوهزار ۴۰۰ گونه گیاهی و پارک ملی بوم با ۶۲۰ گونه گیاهی در همین وست کم منحصر‌به‌فرد

است که ۳۰ گونه آن بومی و اندمیک است و این پارک با داشتن گونه‌های جانوری زیادی از جمله پلنگ آهو باز، قوچ و میش شیراز، کفتار، گـرگ، روباه، خرگوش و… و همچنین بیش از ۵۰ گونه پرندۀ کلکسیونی از تنوع زیستی بالا دارد. این فعال محیط زیست می‌افزاید: متأسفانه از سال گذشته که مجوز تاسیس پالایشگاه دوم در قلب پارک ملی بوم صادر شده و به تبع آن عبور خط لوله نفت از قلب زیستگاه‌های بوم‌برخلاف ضوابط و دستورالعمل‌های محیط‌زیست است. او می‌افزاید: در حالی که شهر زرقان طبق تحقیقات دانشگاه شیراز آلودگی بالایی دارد و دشت زرقان به علت قرار گرفتن در بین کوه‌ها بیش از نیمی از سال دارای وضعیت وارونگی دما یا اینورژن است هر گونه ساخت صنایع آلاینده در این محدوده خیانت به کودکان و زیست‌مندان پارک ملی بوم است. علی‌اکبر کاظمینی می‌افزاید: متأسفانه از سمت شرق شهر زرقان و غرب پارک ملی بوم از تنگه آب‌بز خط لوله نفت با عبور از باغات انگور و تخریب شیب‌ها و دامنه‌ها بدون اجازه صاحبان باغ‌ها به پشت فـنس پارک ملی بوم رسیده است در حالی که چشمه آب‌بز که در بدترین شرایط خشکسالی آب دارد و آبشخور قوچ و میش و پازن‌ها است در آستانه نابودی قرار گفته است. از سمت شرق پارک ملی بوم هم در منطقه بند امیر در محلی به نام شول قسمتی دیگر از این خط لوله در پشت فـنس پارک ملی بوم توقف کرده و آماده است که با آوردن مسـوولی در منطقه و توجیه ایشان که لابد این خط لوله داخل پارک ملی بوم می‌تواند هزاران شغل ایجاد کند مجوز آن را بگیرند و در منطقه آب‌بز و گردنه آن خط لوله نفت را عبور دهند و تیر خلاص را به پارک بوم بزنند. وی می‌گوید: در تاریخ ۹۱/۴/۲۲ مدیر کل محیط‌زیست استان فارس در مصاحبه با فارس که در روزنامه خبر جنوب چاپ شد، می‌گوید در توافقات صورت‌گرفته سال گذشته رییس سازمان با مسوولان استانی و وزارت نفت قرار بر این است که خط نفت از پارک ملی بوم با مجوز کمیسیون زیربنایی دولت از محلی که کمترین آسیب را به پارک برساند عبور کند و جالب اینجاست که در کمیسیون زیربنایی دولت کسانی می‌خواهند از پارک ملی بوم دفاع کنند که خود عامل به وجود آوردنۀ این مشکل بودند و قبلاً در دفاع از تاریخچه و پالایشگاه سخن‌ها گفته‌اند انگار نه انگار که آنها متولی محیط‌زیست کشور هستند. این فعال محیط‌زیست می‌گوید: متأسفانه محیط‌زیست فارس طی دوسال گذشته

به‌شدت آسیب دیده و تنها و تنها به این علت است که چیزهای دیگری بر حفظ محیط‌زیست تقدم پیدا کرده است. علی‌اکبر کاظمینی افزود: امیدوارم همان‌طور که در سال گذشته دیوان محاسبات از سازمان محیط‌زیست در مورد مجوز پالایشگاه دوم در کنار پارک ملی بوم توضیح خواست، مجدداً سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و فراکسیون محیط‌زیست مجلس ضمن تحقیق و تفحص در این مورد اجازه ندهند که کسی زندگی و سلامت و جان مردم و منابع ملی کشور را فدای منافع کوتاه‌مدت کند.



خط لوله نفت هفته گذشته با عبور از ارتفاعات جاده درون پارک ملی بوم رسید و به زمین وارد پارک ملی بوم



نگاه سبز

به‌هزل، بیشتر تمایل داریم نامحیط‌زیست

کوشان مهران

■ مارک‌تواین، داستانی به نام زارع شیکاگو نگاشته که می‌توان آن را به گونه‌ای شرح حال کنشگران امروز محیط‌زیست ایران و وبلاگ‌ها یا سایت‌هایشان دانست. در شهر شیکاگو برای مدت‌ها، یک هفته‌نامه مربوط به کشاورزی به زور دخل و خرج خود را به هم می‌آورد. مالک و سرمایه‌گذار به این نتیجه رسیدند که راهکار، خروج از بحران انتخاب سردبیری جدید برای نـوآوری و مدیدن روحی تازه به نشریه است. گذشت… تا شخص زبان‌بازی خودش را به عنوان سردبیر به مجموعه تحمیل کرد و مالک هفته‌نامه به خیال خود با آزمایش خاطر به سفر رفت. در طی سفر تلگراف‌های ارسالی از شیکاگو نشان‌دهنده بالا رفتن تصاعدی فروش و به‌ویژه اشتراک هفته‌نامه بود. اما داستان به همین‌جا ختم نشد. مدتی بعد تلگراف خشم‌آلودی از یکی از مشترکان قدیمی مبنی بر فسخ اشتراک رسید. همچنین، با وجود افزایش تعداد مشترکان، عده‌ای از خوانندگان باسابقه با اعتراض به شیوه جدید نشریه، اشتراک خود را فسخ کردند. هنگامی که سرمایه‌گذار به شیکاگو بر گشت و در ایستگاه راه‌آهن، هفته‌نامه زارع شیکاگو را ورق زد، حیران ماند، به جای نوشتارهای وزین درباره بهترین شیوه شخم بهاره و مباحث مربوط به پروراندی گوساله، هفته‌نامه پرشده بود از اخبار زرد و حاشیه‌ای که در فلان مزرعه چه کسی ویسکی قاچاق می‌اندازد و دختر فلان باغدار را کدام گـله‌دار اغفال کرده. مالک محترم با لب‌هایی لرزان وارد دفتر شد و دید جناب سردبیر جدید در حالی که پاهای خود را روی میز انداخته مشغول خـوش و بش کردن با منشیان موطلابی و کشیدن سیگار برگ هاواناست. مالک نشریه با خشم فریاد زد: … تو مردک بی‌آبرو اعتبار چندین ساله یک هفته‌نامه سنگین و معتبر را به زیر سوال بردی… و شروع کرد به این‌گونه سخنان. که جناب سردبیر به سیگار برگ هاوانا یک جاتنه‌ای زد و با لیخند پاسخ داد: حضرت آقا فرمایش شما درست، ولی آری در این مدت از خود پرسیده بودید که چرا این هفته‌نامه وزین به حالت نیمه ورشکستگی درآمده بود؟ الان هم همان قشر کشاورز خواننده‌اصلی هفته‌نامه هستن‌د ولی در واقع حضرات تشنه شنیدن آخرین شایعات و اخبار زرد هستند تا کسب اطلاع از شیوه‌های استفاده بهینه از گاوآهن!

نیم تلگاهی به وبلاگ‌های محیط‌زیستی (و



کوهنوردی) این واقعیت را می‌رساند که معمولاً مطلب جدی، کمترین میزان کلمنت را دارند ولی اخبار جنجالی و صحبت‌هایی که به هیچ نتیجه‌ای نمی‌انجامند، همواره کلمنت‌های آتشنینی را در پی دارند. به نظر من به جای هزینه کردن پول اینترنت برای «کل کل» کردن، بهتر است پیگیری پارامی از موارد زیر باشیم:

■ بحث تعریض جاده درون پارک گلستان

■ جاده‌کشی در جنگل ابر و بحث «شیرین» زمین‌خواری و ایجاد هتل و اماکن تفریحی و چند و چون ارزیابی و مکان‌یابی این زمین‌خواری‌ها.

■ دفن زباله‌ها در واقع دیوبی آن در جنگل‌های عباس‌آبادمازندران

■ پیگیری پالایشگاه در نزدیکی میانکاله

■ پیگیری ماجرای واگذاری بخشی از پارک‌های ملی بوم و کلاه قاضی و مجموعه جاجرود.

■ پیگیری دریافت حقلبه دریاچه‌هایی چون ارومیه و بختگان

■ پیگیری اینکه قطور زاینده‌رود تا نزدیکی اصفهان واقعاً زاینده و زنده رود است، اما ناگهان آبش در نزدیکی شهر مکیده و در واقع حقلبه زمین‌ها و محیط‌زیست پایین‌دست شهر اصفهان آن به تاراج می‌رود.

■ پیگیری جاده‌کشی در ارتفاعات آراداب و تغییر پوشش گیاهی به سوزنی‌برگان دست‌کاشت.

■ داستان پسر و صدا و بی‌سرانجام آزادسازی سواحل دریای خزر، در حالی که هر روز برخی در کنار دریا سبز می‌شود (و این جزو بحث «شیرین» تغییر کاربری اراضی و تفکیک اراضی به دست دوستان آن‌کاره است). تیروهای پلیس در دنیا بخشی دارند به‌نام با یگانی پرونده‌های را کد که در یک دوره زمانی مثلاً ۱۰ ساله، پرونده‌های حل نشده را دوباره پیگیری می‌کنند تا شاید به سرخ‌چندی برای کشف حقایق دست یابند. اگر از روز اول پیگیر حقلبه هامون جازموریان می‌شدیم، اکنون هر کی، مدعی «تغییرات سترگ اقلیمی» و خشک شدن «طبیعی» دریاچه ارومیه (در کنار دریاچه پراب‌وان در ترکیه) نمی‌شد. بله، از ملست که بر ماست.